



آیت الله مشکینی

# خدا قسم

## عُجَب

دیگران است که خود را با آنان مقایسه کند و بر آنان ترجیح دهد و خود را بهتر و لایقتر و صالح تر از دیگران بداند.

### آثار عجب

عُجَب دارای آثار خطرناک و عواقب وخیم روحی و معنوی است. و بدین جهت در برخی از اخبار آنرا جز "موبقات" شمرده‌اند. یعنی اوصاف و اعمالیکه سبب سقوط و انحطاط روحی و هلاکت معنوی انسان میشود.

انسان "معجب" یعنی دارای صفت عجب، پیوسته خود را از عذاب و مکر و مواخذه خداوند در امان می‌بیند، و چنین گمان میکند که در نزد پروردگار دارای مقام و منزلت است و بلکه حقی هم بر عهده خداوند دارد که گفته‌های او را کاملاً انجام داده است !!

انسان معجب را این صفت مانع خواهد شد از سؤال و فهمیدن علوم و معارف و مشورت کردن در امور، و در نتیجه از نعمت عظیم دانش و فهم و وظیفه خطیر مشورت و نتایج پر بار شور در موارد لزوم، محروم و بی‌بهره خواهد شد.

"فَلَا تَزُكُوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَى" (نجم - آیه ۳۲)

از جمله ردائل اخلاقی انسان، صفتی است بنام عُجَب. کلام

در این صفت در ضمن دو بخش است.

۱- راجع به تشخیص موضوع این صفت. ۲- راجع به آثار و

خصوصیات و نتایج آن.

اما حقیقت و ماهیت آن و فرق بین این صفت و صفت کبر، اینکه عجب بمعنی خوش بینی انسان است نسبت بعمل یا اعمال خود و زیاد و لایق شمردن آن بطوریکه بدان بهالد و خود را از حد تقصیر و عجز در مقابل انجام وظائف و عبادات الهی، بیرون دانست و خیال کند که وظائف محوله را بخوبی و بلکه بیش از حد لزوم بها آورده است. پس متعلق عجب، عمل است و اما صفت کبر و تکبر؛ خوش بینی نسبت بنفس است که خود را بزرگ و عظیم و فردی لایق و کامل ببیند، پس متعلق آن نفس است.

و عبارت دیگر؛ عُجَب، عمل پسندی و کبر، خودپسندی است. و گاهی گفته میشود که عُجَب، حسن نظر و خوش بینی مربوط بشخص است چه نسبت بخودش و چه نسبت بعملش، و کبر در رابطه با

عجب صفتی است عارض بر روان انسان که زائل کسردن و از بین بردن آن بسی دشوار است و نیاز به فکر و تأمل دارد، تا مثل در اینکه هر عملی و هر حرکتی از انسانی صادر میشود، همه را خود خدای توانا اعطا میکند و انسان در هر کار خیر و عبادت خود رهین منن و الطاف و احسان پروردگار است.

قرآن کریم میگوید:

"أَقْمِنِ زَيْنَ لَهْ سَوْءٍ عَمَلِهِ فَرَأَهُ حَسَنًا، فَإِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ"  
 "مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ" (۱)

آیا کسیکه عمل زشتش در فکر او مزین گشته و در نتیجتان را نیکو و زیبا و لایق دیده، همانند آن کسی است که چنین صفت زشت و نقص را ندارد؟ البته یکسان نیستند. در این آیه اشاره است به آنکه معجب هر کاری از کارهای خود را نیکو ببیند، آن کار در حقیقت سو' و زشت خواهد بود و گویا از آثار این صفت آن است که زیبا را زشت و محسن را قبیح نماید. آری، تردیدی نیست در اینکه صفتهای نفسانی و هم چنین نیت‌های باطنی و عقیده‌های درونی انسان را تاثری بسزا در کارهای بدنی و اعمال صادر از او میباشد، که گاهی تاثر موافق و گاهی دیگر اثر معکوس خواهند داشت، مثلاً: نیت انسان غالباً در کارهای او اثر موافق دارد، اگر بقصد خیر و نیکی انجام دهد عمل، نیکو و اگر به سو' نیت انجام دهد، عمل او زشت میشود. اگر بقصد تربیت بچه‌ای را سبلی زند، جایز بلکه واجب است و اگر بقصد اذیت و با انتقام بزند حرام و قبیح میشود، در این موارد نیت اثر موافق دارد و لذا در روایت مشهور چنین آمده: "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ" صحت و فساد و یا زشتی و زیبایی عمل به نیت است.

ولی صفت عجب اثر مخالف دارد، بطوریکه هر عمل خیر را توأم با عجب انجام دهد، زشت محسوب میشود:

در احادیث آمده است که: مردی در بنی اسرائیل مشغول عبادت شد و مدت چهل سال به رهبانیت و انزوا و عبادت خداوند - طبق برنامه حضرت مسیح - اشتغال پیدا کرد، در نفس خویش و عمل و دعای خویش اثر قبولی نیافت، خود را مورد خطاب و عنایت و سرزنش قرار داد و گفت: "مَا أَوْثِقْتُ إِلَّا مَتَكُ وَا الَّذِي لَا مَتَكُ" ای نفس! هر چه سقوط و انحطاط و عدم پذیرش عمل دارم از ناحیه تو است و تو هستی که مرا نزد حق بی‌ارزش و حقیر میسازی خداوند بوسیله‌ای به او ندا فرمود که ای عابد حالت چند دقیقه‌ای تحقیر نفس و بی بردن بآنکه در مقابل عظمت حق کاری انجام ندادی. از چهل سال عبادتهای گذشته بالاتر و نتیجه بخش تر است.

پیامبر اسلام (ص) فرمود:

"تَلَاثٌ مَهْلِكَاتٌ: شَحُّ مَطَاغٍ وَ هَوَىٰ مَتَبَعٍ وَ اِعْجَابٌ"  
 "الْأَمْرُ بِتَقْيِيهِ"

سه رقم خوی پلید اگر در نفس کسی پیدا شود، شخصیت انسانی او را بهلاکت می‌افکند. ۱ - بخالت و مضایقه از آنچه باید

بذل کرد و در راه هدف انسانی و اسلامی از آن گذشت، چه مال باشد و چه جاه و چه جان. ۲ - پیروی هوای نفس و اختیار خرد را بدست هوی و هوس دادن. ۳ - صفت عجب و عمل پسندی و خوردن نیکو بینی.

در کتاب کافی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که: حضرت موسی روزی شیطان را بالمعاینه با شکل و وضع خاصی مشاهده کرد. از وی پرسید: کدامیک از گناهان است که اگر بنی آدم آنرا مرتکب شود، زودتر بروی مستولی و مسلط میشود؟ او گفت هرگاه انسان در نتیجه عملی نیکو، از خود راضی شود و کار خود را بزرگ شمارد و گناهانش در جنب عملش در نظر او کوچک نماید، زمان سلطه و پیروزی من است! یعنی شیطان در آن حال از او راضی و به آینده او امیدوار بوده و او را قابل استفاده و استخدام و استثمار خواهد دید، و باید بحق پناه برد از اینک انسان در چنین حالی قرار گیرد.

امام صادق (ع) فرمود:

"أَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ، مَنْ يَعْجَبُ بِعَمَلِهِ وَ هُوَ لَا يَدْرِي"  
 "بِمَ يَخْتَمُّ لَهُ"

بسی جای تعجب و شگفت است از کسیکه کاری را انجام دهد و بدان عجب می‌ورزد، در حالیکه از عاقبت کار خود و حال خود اطلاعی ندارد! یعنی بسا اتفاق افتاده که صاحبان عمل نیک در آینده عمر، گرفتار انحراف شده و همه زحمات خود را از دست دادند اند پس اگر عمل صد در صد صحیح و کامل هم باشد، رسیدن انسان به نتیجه نهایی آن مشکل و متوقف به شرایط زیادی است که تحقق نمی‌پذیرد و لذا در کتاب الهی در بیان اوصاف نیکان چنین آمده است:

"وَالَّذِينَ يُوْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجَلَةٌ أَنَّهُمْ"  
 "إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ" (۲)

هر چه می‌توانی عمل صالح بجا آور،  
 و برای روز مبادای خویش عمل صالح را  
 احتکار کن که این احتکار، حلال و واجب  
 است

## علاج محجب

در خاتمه مناسب است اشارهای به دوا<sup>۱</sup> این مرض بکنیم . طبق آنچه علما<sup>۲</sup> اخلاق در این مقام گفتند : بهترین علاج این صفت رذیله آن است که انسان در حال خویش و در مقایسه عمل خود با مقام عظمت الهی و نیز در مقایسه با نعمتهای گونه - گون خداوند بویزه یاری و کمک او در باره انجام اعمال ، دقت و تامل و تفکر کند ، و بداند بهترین ماها در برابر عظمت او نظیر کودکی است که چند روزی بکلاس اول دبستان رفته و کشیدن یک خط مستقیم و با منحنی را در روی کاغذ یاد گرفته و حال در مقابل یک پروفیسور و متخصص فنی دستخط خود را ارائه میدهد و به رخ او میکشد و می بالد و می نازد ، غافل از آنکه هنوز به الفبای کمال نرسیده و قدرت نوشتن نام خود را ندارد ، و هم چنین اگر کودک خود را در مقابل وی دانشمند و فاضل و محقق شمارد !

قرآن مجید میگوید :

" قُتِلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ، مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ، مِنْ نُطْفَةٍ "   
 " خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ، ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ، ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ، ثُمَّ "   
 " إِذَا نَسَا أَنْشُرَهُ ، كَلَّا لَمَّا يَقِضْ مَا أَمَرَهُ " . ( ۳ )

این کتاب آدم ساز و کارخانه تولید انسان در باره انسان کفور و بی توجه بحقایق چنین میفرماید : کشته باد این انسان که چه قدر کفران نعمت میکند ، وی نمیداند که خدایش او را از چاه آفریده او را از نطفه متعفن آفریده و در آفرینش وی اندازه گیری نموده و سپس راه و رسم زندگی را به وی آموخته و بعد از آن او را میرانده و در محوطه قبرش جای داده و سپس هنگامیکه اراده کند ، او را از قبر بیرون خواهد آورد ! ( کلا ) چنین نیست که او می پندارد که عمل بوظیفه نموده و از عهده تکالیف خویش بیرون آمده ، تا هنوز این موجود او امر حق را چنانچه باید انجام نداده است !

آری ماها خود کاری نکرده ایم و هرچه کرده ایم بتوفیق و تایید و یاری و الطاف حضرتش انجام داده ایم و همه بشر رهین منن او و در گروه الطاف او هستند . امید آنکه قدری در عجز و ناتوانی و ضعف و نیاز همه جانبه ی خویش فکر کنیم و سپس در حیطة و قسدرت و تصرف و سلطه و کمک و توفیق الهی درباره خود تامل نمائیم تا روشن شود که ما هیچ نیستیم و او همه چیز است ، و اگر در ایمن قسمت درست فکر کنیم خواهیم دید کلام امام صادق علیه السلام که فرمود : کسیکه بعمل خویش و به خود خویش ، خوش و معجب باشد احمق و نادان است . کلام امام است .

خداوند توفیق درک معارف اسلامی و انسانی و پیاده کردن آنرا بهممه ماها عنایت فرماید انشاء الله .

یعنی کسانی که حالشان در هنگام انجام هر عملی چنین است که ترس و دلهره دارند ، چه آنکه میدانند بسوی الله بر خواهند گشت و شاید عمل آنان مورد پذیرش واقع نشود و با آنکه سبب عتاب و سرزنش وی گردند . و بدین جهت خداوند چنین افراد را می ستاید و در دنبال آیه فوق میفرماید :

" أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ "

آنها کسانی هستند که در انجام کارهای خیر ، سرعت و شتاب دارند و در رسیدن به اعمال خیر سبقت می جویند .

آری در آنروز برخی از عبادتهای انسان ، غیر عبادت و ثواب انسان ، گناه خواهد بود و حسن ظننها و خوش بینی ها مبدل به بد بینی خواهد شد !

و بالجمله ، ای طالب راه کمال ! در انجام عمل خیر کوشا باش و از هیچ عمل خیر و عمل صالحی غفلت مکن و هرچه بتوانی بیشتر بجا آور و برای روز مبادای خویش ذخیره و احتکار کن که این احتکار ، احتکار حلال و واجب است ، لکن در عین حال خود را از حد نیاز بیرون مشرو به اندوخته خویش ، خوش بین شو و تکیه مکن و بلکه پیوسته از قبولی آن نزد خداوند و مورد عنایت و پذیرش قرار گرفتن آن ، بیمناک باش . آری پیوسته چنین باش که دوستان خدا و مقربان درگاه حق پیوسته چنین بودند .

امام صادق (ع) فرمود : شیطان مطرود روزی به احزاب و جنود خویش - در مقام تعلیم راه اغوی و تسلط بر بنی آدم - چنین گفت : اگر بتوانم بر انسانها در سه موضوع غالب آیم ، در بقیه موارد خاطر من از وی جمع است و هر عملی هم در غیر آن موارد انجام دهند برایم اهمیت ندارد زیرا عملش بی نتیجه خواهد ماند .  
۱ - عمل خود را زیاد بشمارد ۲ - از گناه خویش غفلت نماید .  
۳ - به خویشتن ، خوش بین گردد .

ما هر کاری کرده ایم به توفیق و تایید

و یاری خدا بوده است ، و همه بشر

رهین منن او و در گرو الطاف او هستند

۱ - سوره فاطر - آیه ۸ . ۲ - سوره مؤمنون - آیه ۶۰ .

۳ - سوره عبس - آیه ۱۷ تا ۲۳ .